

نودمین سال تأسیس حزب کمونیست چین



از تاریخ ۲۳ الی ۳۱ جولای ۱۹۲۱ نماینده گان ۱۳ گروه مختلفه کمونیستی در یک تعمیر کوچکی واقع در خیابان شینگ یو در شهر شانگهای گرد هم آمده و حزب کمونیست چین را تأسیس کردند که در آن زمان اندکی بیشتر از ۵۰ نفر عضویت آنرا داشتند. به تاریخ اول جولای ۲۰۱۱ این حزب که اکنون بیشتر از ۸۰ میلیون عضو دارد ۹۰ ساله گی اش را با عقبنگری به مؤفقیتهای تکان دهنده در سطح جهانی، راه پر از کژ راهه ها و برگشت به واقعیتها و بانگش به پیش، با خوشبینی به آینده درخشان، جشن گرفت.

منشی عمومی حزب کمونیست چین هووجین تاو در بیانیه (مروری برگزیده) در محفل مرکزی در شهر بیجینگ* به سه دست آورد که باعث پیروزی بزرگ، تحت رهبری حزب کمونیست، نصیب مردم چین گردید و به اشتباه ها و نا راحتیهای کنونی حزب و حکومت اشاره کرد.

«دستآورد نخست این که حزب ما با اعتماد کامل به مردم، انقلاب دموکراتیک نوین را به انجام رسانیده و استقلال ملی و رهایی مردم را به دست آورد. حزب و مردم در جنگ داخلی علیه دشمن مشترک، در جنگ انقلابی - کشاورزی، در جنگ مقاومت علیه تجاوزگران جاپانی و در مبارزه رهائیبخش، ۲۸ سال تمام مبارزه کردند و در نتیجه آن تجاوزگران جاپان امپریالیستی را مغلوب گردانیده و سلطه ارتجاعی کومینتانگ را نابود کرده و جمهوری مردم چین را بنیاد گذاشتند. با بنیانگذاری چین نوین مردم چین حاکم بر کشور و جامعه شان گردیده و خود به تعیین سرنوشت شان پرداختند. چین تحول غیر قابل تصویری را از یک جامعه هزاران سال کهن فیودالی تا دموکراسی مردمی پشت سر گذاشت. یک پارچه گی گسترده و همکاری بیسابقه همه گروههای اتنیکی در چین به واقعیت پیوست. تاریخ چین کهن به یک جامعه نیمه مستعمره و نیمه فیودالی که همانند دانه های ریگ مجزا از همدیگر میزیستند، به یکباره گی نقطه پایان گذاشت. مردم چین قیام کردند و ملت چین وارد مرحله انکشاف و ترقی شد.

دستآورد دوم آنکه، حزب ما با اعتماد بی خدشه به مردم انقلاب سوسیالیستی را غنا بخشیده و یک سیستم بنیادی سوسیالیستی را ایجاد نمود. ما تحول دموکراسی نوین را به سوسیالیزم نصیب شدیم و بدین ترتیب در این کشور پهناور شرق برای یک چهارم بشریت سیستم سوسیالیستی را خلاقانه ایجاد کردیم و ما تغییرات همه جانبه و عمیق را در تاریخ چین وارد آوردیم. ما در یک کشور دارای نیروهای مؤلده عقبمانده، صنایع و سیستم اقتصادی را ایجاد کردیم که مستقل و تا حدود زیادی متکامل است.

دستآورد سوم این که حزب ما با اعتماد بی خدشه به مردم، گامی به سوی انقلاب جدیدی در عرصه ریفورم و گشودن درها به روی خارج به خاطر ایجاد، استحکام و انکشاف بعدی سوسیالیزم مطابق به شرایط چین برداشت. از زمان برگزاری سومین پلینوم یازدهمین کمیته مرکزی

حزب کمونیست چین (دسامبر ۱۹۷۸) ما پراتیک چین را در مورد ساختمان سوسیالیسم باز رسی کرده و تجارب سایرکشورها را به بررسی گرفتیم. ما با جرأت خارق العاده سیاسی، تیوریک و پراتیک راه ریفورمها و گشودن درها به روی خارج را تعقیب کردیم. در این راه پر مخاطره تجربه گیری، ما تیوریهای اساسی حزب و مشی آن را شکلبندی نموده و تجارب ارزشمندی را برای مرحله آغازین سوسیالیسم به دست آوردیم. ما به ایجاد بازار اقتصادی سوسیالیستی دست یافتیم و آن را طور مستمر بهبود بخشیدیم. ما دروازه های چین را در برابر خارج کاملاً باز نگهداشته و پیشرفتهایی را در زمینه مدرنیزه ساختن جامعه سوسیالیستی که در سطح جهانی به رسمیت شناخته شده اند، تسجیل کردیم. . . .

تاریخ با دقت نشان داد که حزب کمونیست چین را به جا میتوان یک حزب سیاسی مارکسیستی واقعی، پیشتاز و نیروی محرکه رهبری مردم چین به خاطر پیشبرد راه های پیشرفت شان نام گذاشت. . . .

حزب اصول مارکسیزم را در مطابقت با شرایط مشخص چین پیاده نمود که دو دستاورد بزرگ در پروسه تاریخی کار بست مارکسیزم در شرایط چین متبازر است. یکی از این دستاوردها اندیشه های ماوتسه دونگ است که کار بُرد مارکسیزم - لنینیسم و تکامل بعدی آنرا در چین توضیح میدهد. اندیشه های ماوتسه دونگ به طور سیستماتیک به مسایلی جواب ارایه کرد که چه گونه میتوان در این کشور پهناور نیمه مستعمره و نیمه فیودالی شرق، انقلاب دموکراتیک نوین و سوسیالیستی را تحقق بخشید. کار برد این اندیشه ها با مساعی دلسوزانه هنگام بررسی مسایل مربوط نشان داد که سوسیالیزم را به کدام شیوه یی و چه گونه باید در چین اعمار کرد. بدین ترتیب همان اندیشه ها دستیابی خلاق و نوینی را در غنای مارکسیزم باخود داشت. . . .

یکی از دستاوردهای دیگر همانا سیستم تیوریهی در باره سوسیالیزم مطابق به شرایط چین است. اینها جزء یک سیستم خاص تیوریک اند که از تیوریهای دنگ سیاوپنگ، از مهمترین مفکوره ها در باره سه مظهر** در مورد انکشاف علمی و سایر تیوریهای استراتیژیک مرکزی متشکل است. به گونه مثال این سیستم تعداد زیادی از مسایل و موضوعات پر اهمیتی را مورد مذاقه قرار میدهد: کدام شیوه اعمار سوسیالیزم را بایستی چین به صفت یک کشور عقبمانده با جمعیت بالاتر از یک میلیارد انسان برگزیند و چه گونه آنرا بایستی پیاده نماید؛ کدام ساختار حزبی باید در نظر گرفته شود و چه گونه آنرا ایجاد کرد؛ کدام راه رشد را بایستی چین انتخاب کند و چه گونه آنرا سازماندهی کند؟ این سیستم تیوریهی در باره سوسیالیزم با در نظر داشت شرایط چین، ادامه و انکشاف بعدی ایده های ماوتسه دونگ را متظاهر میسازد. . . .

باز نگری به انکشاف ۹۰ ساله حزب ما نشاندهنده این مطلب اساسی است که حزب ما خصلت رهبری کننده اش را به مثابه حزب مارکسیستی تأمین نمود و آنرا رشد بیشتر بخشید: حزب باید از قید موهومات خود را رهایی بخشد، واقعیت را در حقیقت جستجو کند، با سیر زمان حرکت کند، از دیدگاه علمی با مارکسیزم برخورد نماید، مارکسیزم را به مثابه تیوری رشد یابنده در رابطه با پراتیک مطابق به واقعیت موجود به کار بندد، واقعیت را برملا سازد، اشتباهات را تصحیح نماید، راههای جدیدی را رهنمون گردد و دینامیکی که حزب را در آن موقفی قرار دهد تا راه خود را به مثابه پیشاهنگ ببیند، حفظ کند. حزب باید خدمتگزار مردم باشد و بالای آنان اعتماد کند، از جان و دل برای سعادت آنان کار کند، بالای مشوره های سودمند و نیرومندی آنان حساب کند و همیشه روابط نزدیک را با آنان مستحکم نگهدارد. حزب باید رهبری خود را در رابطه با خدمات شان برگزیند و به اندازه کافی استعدادها را بالا بکشد. حزب باید با استفاده از امکانات، پرسونل طراز اول را تقدیر نموده، آموزش و سطح مهارت اختصاصی شان را ارتقا بخشد. حزب باید به طور همیشه گی کادراهی جدید را بالا بکشد و موجودیت خود را در همه احوال حفظ نماید. حزب باید کنترل خودی را رعایت نموده و اعضای حزب را تابع دسپلین دقیق سازد، وقت خود را صرف مسایل مبرم خود نموده و آنها را در وقت لازم حل کرده و بدین وسیله توازن امور را حفظ نماید. . . .

رشد کمی و کیفی حزب در ۹۰ سال اخیر به ما نشان داد: که پخته گی تیوریک اساسی برای اعتقاد سیاسی است، که همپایی تیوریک با عنصر زمان پیش شرط برای پیشبرد کار پراتیک است، که وحدت اندیشه ضمانت پراهمیت برای مجموع حزب است تا بتوان با گامهای متعادل به پیش رفت. ما کمونیستهای چین معتقدیم که اساسات مارکسیزم واقعیت غیر قابل مشاجره است و این که مارکسیزم باید طور ممتد غنا یابد و رشد بیشتر نماید، البته با در نظر داشت تغییراتی که در پراتیک رونما میگردد. ما هیچگاهی مارکسیزم را به مثابه دگم از قبل ریخته شده و جامد نمیدانیم. برای مارکسیستها پراتیک منبع تیوری، اساس رشد آن و مشخصه یی برای بازنگری حقیقت آنست. هر آن عملی که با دگم سرو کار دارد، آنچه پراتیک را نادیده میگیرد و از حدود زنده گی واقعی گام فرا می نهد و یا دنباله رو آنست، به پیروزی نمیرسد. . . .

ما مرتکب اشتباه شدیم و حتی در مقطعی معینی از تاریخ، عقبگردهای جدی را متحمل شدیم. علت اساسی آن این بود که رهنمودهای حزب در همین مقطعی از واقعیت شرایط چین فراتر ارزیابی شده بود. فقط با کار بُرد اصل «جستجوی حقیقت در واقعیت» حزب توانست اشتباهاتش را تصحیح نماید، عقبگردها را منتفی سازد و با اعتماد به نیروی خودی و مردم با موفقیت به پیش رود. تجارب و درسهایی را که حزب ما به این ارتباط به دست آورد، آن را بگونه سیستماتیک در قطعنامه در مورد بعضی از مسایل تاریخ حزب ما (از سال ۱۹۸۱) بازتاب داد. ما اجازه نداریم این تجارب و درسها را فراموش کنیم. . . .

هر گامی که به خاطر رشد گسترده تیوریک گذاشته میشود باید به وسیله آموزش اعضای حزب با چنین نو آوریهای تیوریک همراهی گردد. این یکی از تجارب با اهمیتی است که حزب در زمینه بهسازی خود آزموده است. در راه ساختار یک حزب سیاسی مارکسیستی که به آموزش مؤظف است، اجازه نداریم تا فرصت را به خاطر فراگیری اندیشه های نوین علمی و آنچه دانش نوین انسانی است، از دست دهیم. همه اعضای حزب و نیروهای رهبری بایست آموزش را به مثابه یکی از مساعی روشنفکرانه شان بپذیرند، باید مارکسیزم - لنینیسم و اندیشه های ماوتسه دونگ را چنان عمیق و نمونه وار بیاموزند که آموزش تیوریک سوسیالیسم را در شرایط چین می آموزند. جهانی بینی و میتودیک ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی را مد نظر گیرند، اعتقاد شان را پیوسته رشد داده، سطح دانش شان را ارتقا دهند و صلاحیتهای شان را به وسیله آموزش، گسترده تر سازند. همه رفقای حزبی، به خصوص نیروهای رهبری حزب در همه سطوح بایست خودشان را طور همیشه گی از دیدگاه تیوریک و سیاسی بهسازی کنند، ایده آله و اعتقادات ما را تقویت بخشیده و همچنان آماده گی و قاطعیت ما را در مبارزه خسته گی ناپذیر در راه حزب و مردم گسترش دهند. ما بایست بگونه نا محدود ممکن سازیم که چنان برخورد نمائیم تا در برابر آنچه انجام داده ایم صادقانه و استوار باشیم. . . .

ما از این به بعد نیز در جا به جا ساختن نیروهای رهبری به اعتقاد سیاسی شان علویت قایل شده و کسانی را انتخاب و توظیف مینمائیم که دارای اعتقاد راسخ سیاسی بوده، خدمات خوبی را انجام داده و یا قابلیت آنها داشته باشند و در میان مردم از اعتماد برخوردار باشند. نیروهای رهبری بایست در مطابقت با اصولی برگزیده شوند که در وجود آنان اعتقاد به وسیله بهسازی خودی، به وسیله نمونه مثال بودن برای دیگران، به وسیله ارتقای صلاحیت خودی، سراغ شده بتواند. اعتقاد باید معیار صلاحیت باشد. ما در آینده نیز نیروهای رهبری را با اتکا به معیار خدمت شان توظیف میداریم - بدین معنی که - افراد با لیاقت امکانات معین را به دست آورند تا در پُستهای درست توظیف گردند، انسانهای راسخ متضرر نگردند، آنانی که به شکلی از اشکال برای منفعت شخصی شان کار میکنند و اعمال چاپلوس مآبانه را روا میدارند، هیچ چیزی را به دست نمی آورند. این واقعیت است که همه نیروهای برآزنده خودشان را وقف حزب و مردم شان ساخته میتوانند. . . .

رشد حزب در ۹۰ سال گذشته نشان داد که حزب را هیچ نیرویی مغلوب ساخته نمیتواند، چرا که از میان مردم برخاسته است، با مردم ریشه مشترک دارد و در خدمت مردم است. حزب موجودیت خود را در آن می بیند تا مردم را در صدر مسایل قرار دهد و برای آنان حاکمیت را تأمین کند. این مطلب به گونه کاملاً عیار اهداف بنیادی حزب را متبازر میسازد و آن این که باید از صمیم قلب خدمتگزار مردم بود. این امر کوچکترین معیار برای کار کرد، برای ارزیابی و بررسی کار حزب حاکم است. همه رفقا در حزب باید به خاطر داشته باشند که داشتن مناسبات نزدیک با مردم برای حزب پشتوانه بزرگ سیاسی را گواهی میدهد، حال آنکه بعد از احراز قدرت سیاسی بیگانه شدن بامردم بزرگترین اشتباه برای حزب است. بناءً ضرور است تا مابه خواسته های مردم پیش از سایر مسایل علویت قایل گردیم.

برای آنکه توانسته باشیم ساختمان حزب را تحت شرایط نوین تاریخی علماً تنظیم نمائیم، مجبوریم تا اصل مبارزه همه جانبه علیه ارتشا را تعقیب نمائیم. ما مجبوریم تا اشکال شیوع و همچنان ریشه های معلول را دریابیم و تعیین جزا را با هوشدارهای قبلی پیوند دهیم، درین زمینه به وقایه مسأله باید تأکید بیشتر کرد. ما مجبوریم به مساعی در جهت بهبود رهبری به وسیله حزب وقف بیشتر داشته باشیم، اعتقاد و مبارزه علیه ارتشا را در دستور روز قرار دهیم تا باشد که خصلت مترقی حزب و جایگاه آنها به مثابه حزب سیاسی مارکسیستی محفوظ نگهداریم. . . .

ما باید در زمینه گسترش نهادهای حزبی بر اساسنامه حزب متکی بوده، سنترالیسم دموکراتیک راعملی داشته، به سیستم رهبری حزبی اعتماد داشته و آنها بهبود بخشیده و رهبری و سمتدهی حزب را بهسازی نمائیم. ما باید دموکراسی درون حزبی را هرچه بیشتر گسترش دهیم، وضاحت در مسایل حزبی را فعالانه و اما واقعینانه مطالبه نمائیم، حقوق اساسی و دموکراتیک اعضای حزب را تأمین نمائیم، سیستم کنگره های حزب و انتخابات درون حزبی را به شمول شیوه های اخذ تصمیم در حزب بهبود بخشیم. . . .

ما باید همبسته گی و وحدت حزب را حفظ کنیم، نیروی خلاق آنرا گسترش داده و در برابر برخوردهای خودسرانه، غیر مسؤولانه، کاهلانه و انفرادی مبارزه نمائیم، زیرا این امر اصول سنترالیزم دموکراتیک را خدشه دار میسازد. همه رفقا باید بدانند که انسانها همه در برابر قانون حقوق مساوی دارند، باید صراحت داد که هیچ فردی حق ندارد نهادها را طفره رود و هیچگونه استثناً در جهت تضعیف تدابیر محافظوی نهادها مجاز نیست.

نیروهای مؤلده نخستین نیروهای تأثیرگذار بالای انکشاف فزاینده جامعه انسانی است. حزب ما زمانیکه وارد آزمونگاه تاریخ شد، نیروهای مؤلده انکشاف یافته یی را پیشکش کرد. همه مساعی حزب متوجه آن بود تا نیروهای مؤلده را آزاد سازد و آن را رشد دهد و زنده گی مردم را بهبود بخشد. ما نتایج قابل ملاحظه یی به دست آوردیم. ولی شرایط بُنیادی در چین هنوز تغییر نخورده است، این امر بدان معنی است که چین هنوز در مرحله آغازین سوسیالیزم قرار دارد و تا مدت زمان زیادی چنین باقی خواهد ماند. پرسش اساسی در جامعه به گونه پیش یکی است و آن این که چه گونه میتوان نیازمندیهای روز افزون مادی و فرهنگی مردم را به وسیله نوسازی تولید عقمانده اجتماعی مرفوع ساخت. هنوز موقف بین المللی چین به مثابه بزرگترین کشور در حال رشد، تغییر نیافته است. رشد و انکشاف باز هم کلید حل پرابلمهای چین خواهد بود. ما باید هنوز هم در نظر داشته باشیم تا نیروی خود را در عرصه انکشاف متراکم سازیم و زیر بنای مادی را برای حفظ و ساختمان سوسیالیزم مطابق به شرایط چین تحکیم بخشیم. . . .

در پیمودن راه به پیش، ما پیوسته رشد دموکراسی سوسیالیستی را تقویت میکنیم و در این راه به خاطر گسترش سیستم سیاسی سوسیالیستی تحت شرایط چین بی خدشه به پیش میرویم. . . . از زمان پیاده نمودن سیاست ریفورم و باز نمودن درها به روی خارج، حزب درسهای مثبت و منفی را از رشد دموکراسی سوسیالیستی فرا گرفت و حزب به این نتیجه رسید که بدون دموکراسی نه سوسیالیزم و نه نوسازی سوسیالیستی امکان پذیر است و این که ماهیت دموکراسی سوسیالیستی در آن نهفته است که مردم سرنوشت شانرا خود تعیین نمایند. . . .

از جانب دیگر ما باید اعتراف کنیم که رشد سیستم حقوقی سوسیالیستی و دموکراتیک چین در مطابقت کامل با مطالبات گسترش دموکراسی مردم و خواسته های رشد اقتصادی و اجتماعی قرار ندارد. تعدادی از تأسیسات نهادی مشخص در سیستم دموکراسی سوسیالیستی جان دارند و زمینه های بهبود در رابطه با تأمین حقوق دموکراتیک مردم و موجودیت فضای ایجاد گرانه ضروری پنداشته میشود. . . .

حایز اهمیت است که رهبری به وسیله حزب، نقش مردم به مثابه صاحبان کشور و تسلط قانون به بهترین شکل با همدیگر مزج گردند. ما دموکراسی سوسیالیستی را گسترش خواهیم داد، یک کشور سوسیالیستی با تسلط قانون را خواهیم ساخت و پیشرفت سیاسی سوسیالیستی را پشتیبانی خواهیم کرد. . . . ما باید بینیم که قدرت دولتی متعلق به مردم باشد، ما باید نهادهای تعمیم دموکراسی را بهبود بخشیم، اشکال آنرا متنوع سازیم، زمینه های تحقق آنرا گسترده گردانیم، ما باید تضمین نمائیم که مردم بتوانند در انتخابات دموکراتیک، در اتخاذ تصمیم، در اداره و ارگانهای کنترل در مطابقت با قانون، شرکت کنند. ما حاکمیت متکی به قانون را به مثابه سیاست اساسی رعایت خواهیم کرد، توجه عموم مردم را در زمینه نقش مسلط قانون در سوسیالیزم در تمام لایه های اجتماعی تقویت خواهیم کرد، ما شیوه های قانونگذاری را بهبود خواهیم بخشید، تطبیق عام و تام قانون و قضاوت بیطرفانه، احترام به قانون از جانب هر فرد و این که همه آنچه ما انجام میدهم به وسیله قانون تنظیم گردیده و تأمین گردد. . . .

یکی از شاخصهای با اهمیت، ایجاد تعادل میان ریفورم، رشد و ثبات و در نظر داشت وحدت این سه بخش است، تابوتان پیروزی همه جانبه را در نوسازی سوسیالیستی چین نصیب شد. رشد، حایز اهمیت تعیین کننده است ولی تأمین ثبات نیز مسأله خلیلیها پر اهمیت است. . . .

دفاع مؤثر ملی و اردوی نیرومند هر دو تضمین قوی برای حفظ تمامیت ارضی، امنیت و حاکمیت ملی چین اند. ما باید رشد اقتصادی را با قابلیت دفاعی و ساختار آن تنظیم نموده و راه رشد را بر پایه شرایط چین، که بتواند از یکجانب نیازمندیهای عرصه نظامی و از جانب دیگر خواسته های بخش ملکی را جوابگو باشد، تعقیب نمائیم. بناءً هدف راهی است که در جریان ساختار یک جامعه رفاه محدودی را در همه عرصه ها برای مردم چین و تقویت نظامی کشور تأمین میکند. . . .

سیاست خارجی چین متکی به حفظ صلح جهانی و پشتیبانی از انکشافات عمومی است. ما تعقیب سیاست خارجی مستقل و مسالمت آمیز را ادامه خواهیم داد و با کامهای ثابت راه رشد صلح آمیز و باز نمودن درها به روی خارج را با در نظر داشت منافع متقابل به پیش خواهیم برد. ما همکاری و روابط دوستانه را با همه کشورهای جهان بر پایه «پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز» رشد خواهیم بخشید، مطالبات برحق و منافع

مشترک کشورهای رو به انکشاف را احترام گذاشته و در امور بین المللی نقش فعال را ایفا خواهیم کرد تا باشد که نظم سیاسی و اقتصادی بین المللی را حقانی و متعادلتر سازیم. . . .

نود سال پیش فقط تعداد محدودی عضویت حزب کمونیست چین را داشتند. در آن زمان چین یک کشور فقیر و عقبمانده بود و مردم آن زنده گی رقتباری داشتند. امروز حزب کمونیست چین بیشتر از ۸۰ میلیون عضو دارد. چین شگوفان میشود و مردم آن زنده گی با سعادت دارند. آنچه که در درازای ۹۰ سال نصیب حزب شده است، حزب آنرا یکجا با مردم به دست آورده است. ما هیچگاهی فراموش نخواهیم کرد که توده های مردم قهرمانهای واقعی هستند.

ما حق آنرا داریم تا بالای آنچه که حزب و مردم به دست آورده اند افتخار کنیم، ولی ما هیچگاهی حق نداریم تا از خود راضی باشیم. ما اجازه نداریم به خواب غفلت فرو رویم. ما این امر را هیچگاهی انجام نخواهیم داد».

* بیجینگ در زبان چینی به پیکینگ و یا پکن میگویند.

** توضیحات درباره «سه مظهر»: حزب باید همیشه مطالبات انکشاف چین با نیروهای مؤلده پیشرفته، سمتدهی چین برای رشد فرهنگ پیشتاز و منافع بنیادی اکثریت مردم چین را متظاهر سازد. مظاهر (منشی عمومی حزب کمونیست چین جیانگ زیمین در شانزدهمین کنگره در ماه نوامبر ۲۰۰۲)